

بررسی شروط ناعادلانه قرارداد ليسانس در نظام حقوقی ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱۱/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۲/۱۲)

دکتر بهنام اسدی

چکیده

امروزه قرارداد ليسانس به عنوان یکی از مهمترین و رایج ترین روش های انتقال اموال فکری به شمار می رود. در این قرارداد نیز مانند سایر قراردادها شروطی گنجانده می شود و طرفی که در موقعیتی برتر نسبت به طرف دیگر است سعی در درج شروطی در قرارداد دارد که منافعش را بهتر تامین کند، که برخی از این شروط ممکن است با هدف طرفین از انعقاد قرارداد منطبق نبوده و مغایر با قواعد حقوق رقابت باشد. در این جا است که حقوق رقابت به عنوان محکی برای تشخیص اعتبار این شروط مطرح می شود. با این اوصاف باید گفت به طور معمول قرارداد ليسانس حاوی شروطی است که هر یک به نوعی، متضمن اعمال محدودیتهای برای طرفین یا یکی از اطراف قرارداد، به ویژه مجوز گیرنده است که در این مقاله قصد داریم به بررسی شروط ناعادلانه قرارداد ليسانس بپردازیم.





بخش اول: تحدیدات قرارداد لیسانس از منظر حقوق رقابت با بررسی توافقات ضد رقابتی

همانطور که می‌دانیم شروطی که در قرارداد لیسانس می‌آیند معمولاً برای یکی از طرفین ایجاد محدودیت می‌کند. این محدودیت‌ها غالباً نتیجه توافق طرفین است. «توافقات یا شروط محدود کننده» در معنای وسیع خود، شامل هر نوع توافقی است که به هر نحو، اجرای حقی را محدود کند یا شخصی به موجب آن، از حقوق خود کلاً یا جزئاً صرف نظر کند.^۲ در تعریفی دیگر از اعمال محدود کننده آمده که اعمال و رفتارهای مؤسسات و شرکت‌های تجاری، که از طریق سوء استفاده از موقعیت برتر خود در بازار، باعث ایجاد محدودیت در دسترسی به بازار یا بصورت ناروا مانع رقابت می‌شوند و اثرات منفی این اعمال متوجه کشورهای در حال توسعه و اقتصاد این کشورها خواهد بود.^۳ در حقوق رقابت مقصود از ترتیبات محدود کننده، محدودیت‌هایی است که اثر قطعی یا احتمالی آنها، تحدید یا اخلال در رقابت است.^۴ اخلال در رقابت نیز در در بند ۲۰ ماده ۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بدین نحو تعریف شده است، «مواردی که موجب انحصار، احتکار، افساد در اقتصاد، اضرار به عموم، منتهی شدن به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد یا گروه‌های خاص، کاهش مهارت و ابتکار در جامعه و یا سلطه اقتصادی بیگانه بر کشور شود.» اگر چه اشخاص در انجام فعالیت‌های تجاری خود آزادند و به هر روشی که بخواهند می‌توانند به مبادله با یکدیگر بپردازند و قرارداد منعقد کنند، اما قلمرو این آزادی تا آنجا است که به تقابل با منافع جامعه و مقررات قانونی آمره نینجامد. توافقات ضد رقابتی را می‌توان به توافقاتی که موضوع آن ضد رقابتی است و توافقاتی که آثار آن ضد رقابتی است تقسیم کرد. ممنوعیت توافقات با موضوع ضد رقابتی، بیش از نوع دیگر است، که از این محدودیت با عنوان محدودیت ذاتی یاد می‌شود و صرف قرار گرفتن توافقی در آن، برای ممنوعیت توافقی،

^۱. Restrictiv Agreemnts.

^۲. رهبری، ابراهیم، همان، ص ۵۱۵.

^۳. زاهدی، مهدی، اعمال و رویه‌های محدود کننده تجاری در قراردادهای انتقال تکنولوژی، مجله پژوهش حقوق و

سیاست، ص ۲۳۷.

^۴. Byrne, Noel And Mcbratney, Amanda. Op. Cit, p. 481-482.

کفایت می‌کند. در مقابل، سایر محدودیت‌ها در صورتی ممنوع اعلام می‌شوند که با بررسی آثار و تبعات آن، مشخص شود که در ساختار بازار ایجاد اختلال می‌کنند. در تعریف توافقات ضد رقابتی می‌توان گفت که کلیه توافقات بین فعالان تجاری است که بواسطه اثر یا موضوع با قواعد رقابتی و ساختار بازار سازگار نبوده و منجر به ایجاد ممنوعیت، محدودیت و اختلال در رقابت می‌گردد.^۱

بند اول: بررسی وجود توافق در قرارداد

توافق در حقوق رقابت، انواع تعهدات قراردادی را در بر می‌گیرد که مکتوب یا شفاهی بودن، رسمی یا غیر رسمی بودن در شمول قواعد رقابت بر آن بی‌تأثیر است.^۲ دادگاه جامعه اروپایی در خصوص وجود توافق بیان می‌دارد که حداقل لازم برای اینکه توافقی حاصل شود، آن است که اظهاری مبتنی بر قصد طرفین بر انجام عملی خاص در بازار صورت بگیرد که موضوع یا اثر آن انحراف یا محدودیت عملیات رقابتی باشد.^۳ نکته قابل ذکر این است که الزاماً نیاز نیست که توافق بصورت متقابل باشد، بلکه تعهد یکجانبه نیز می‌تواند ناقض قواعد رقابتی باشد. کمیسیون اروپایی معتقد است که رفتار یکجانبه در مواردی که قابلیت انتساب به توافق یا رفتار مشترک را داشته باشد، مشمول قواعد مربوط به توافقات ضد رقابتی است.^۴ در نتیجه می‌توان گفت که در اتحادیه اروپا، برای ضد رقابتی شدن عمل، عمل باید حتماً در قالب توافق باشد، در حالیکه در حقوق ایران و امریکا برای ضد رقابتی بودن اعمال نیازی نیست که این اعمال در قالب توافق باشند، بلکه اعمال یکجانبه نیز می‌توانند مصداقی از اعمال ضد رقابتی تلقی شوند.

بند دوم: وجود دو یا چند فعال تجاری

از دیگر عناصر تشکیل دهنده توافقات ضد رقابت، وجود دو یا چند فعال تجاری است. بدین معنا که طرفین باید فعال تجاری باشند و منظور از فعال تجاری هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی

^۱ Jones, Alison And, Sufrin, Berenda. op. cit, p.101.

^۲ شکوهی، مجید، حقوق رقابت بازرگانی در اتحادیه اروپا، چاپ اول، ص ۱۵.

^۳ وکیلی مقدم، محمدحسین، همان، ص ۷۴.

^۴ Jones, Alison And, Sufrin, Berenda. op. cit, p135.



است که به فعالیت های تجاری اشتغال دارد. باید به این نکته نیز توجه داشت که اگر دولت یا شرکت های دولتی به تجارت پردازند، عنوان فعال تجاری بر آنها صدق می کند و می توانند مشمول قواعد رقابتی شوند. این مهم در قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ نیز پیش بینی شده است.

بند سوم: داشتن موضوع یا اثر ضد رقابتی

از دید حقوق رقابت توافقی ناقض قواعد و اصول رقابتی است که یا موضوع یا اثر آن ضد رقابتی باشد موضوع توافقی زمانی ضد رقابتی است که توافقی فی نفسه مغایر با ضوابط رقابت باشد و بتوان با بررسی آن، قصد و اراده طرفین را برای تحدید رقابت احراز کرد. در مقابل توافقی دارای آثار ضد رقابتی است که هر چند موضوعش ناقض قواعد رقابت نیست، اما اجرای آن موجب آثار ضد رقابتی در بازار خواهد شد. در بررسی توافقی، همین که محرز شود توافقی موضوعش ضد رقابتی است، بدون نیاز به بررسی آثار و تبعات آن بر بازار، توافقی بی اعتبار، تلقی می گردد و تنها زمانی به بررسی آثار قرارداد می پردازیم که موضوع قرارداد در زمره موضوعات ضد رقابتی نباشد.^۱

بند چهارم: داشتن تأثیر محسوس

نفس انجام رفتار ضد رقابتی باعث اجرای ضوابط حقوق رقابت نیست، بلکه عمل انجام شده باید دارای اثر محسوس بر رقابت باشد تا موضوع قواعد حقوق رقابت قرار گیرد. دادگاه جامعه اروپایی بر این باور است که در صورتی که یک توافقی با در نظر گرفتن موقعیت ضعیف اشخاص، در بازار محصول مورد نظر تأثیر مهمی نداشته باشد، خارج از محدوده ماده ۸۱ است.^۲ کمیسیون اروپایی برای تشخیص میزان اثر گذاری، سهم بازاری طرفین را ملاک قرار داده است که عبارتست از: میزان گستره فعالیت یک شرکت در یک صنعت یا یک بازار محصولی خاص که با توجه به نسبت کل تولید یا فروش یا ظرفیت تولید به دست می آید.^۳

^۱. Jones, Alison and, Sufrin, Brend. Op. Cit, p.158

^۲. وکیلی مقدم، محمد حسین، همان، ص ۹۲.

^۳. Jones, Alison And, Sufrin. Berenda. Op. cit, p.168.

بخش دوم: بررسی موضع کشورها در خصوص توافقات ضد رقابتی

در عرصه رقابت، فعالین تجاری با استفاده از ظرفیت های بالقوه قرارداد لیسانس، ممکن است به برخی از این تحدیدات به منظور حفظ موقعیت رقابتی خود در بازار توسل جویند. اتخاذ این رویه ها باعث اخلال در رقابت و اثر گذاری منفی بر اقتصاد کشورها خواهد شد. در واقع در قراردادهای لیسانس، دارنده فناوری که معمولاً در موضع برتری نسبت به گیرنده قرار دارد، سعی دارد تا با استفاده از این شروط و محدودیت ها، مالکیت و سایر حقوق خود را نسبت به مال موضوع قرارداد تضمین و موضع رقابتی خود را حفظ نماید. از این رو کشورهای در حال توسعه که بیشتر گیرنده فناوری های روز هستند باید به منظور حفظ موقعیت تکنولوژیکی خود و توسعه آن مبادرت به کنترل این نوع شروط و محدودیتهای قراردادی از طریق وضع قوانین رقابتی کنند. در کره جنوبی در قراردادهای بین المللی انتقال فناوری، بنگاه های تجاری از ورود به قراردادهایی که حاوی ترتیبات محدود کننده هستند منع شده اند، مگر آنکه اثر آن بر رقابت ناچیز بوده و یا در راستای نیل به اهداف مشروع دیگر باشد. ماده ۶ قانون ضد انحصار ژاپن نیز مقرر می دارد که هیچ بنگاهی نمی تواند قراردادهای بین المللی منعقد سازد که حاوی ترتیبات محدود کننده غیر متعارفی باشد.^۱ علیرغم دید نه چندان خوش بینانه ای که نسبت به این ترتیبات و شروط در قراردادها وجود دارد، گاه چنین شروطی از لوازم قرارداد محسوب شده که آثاری همسو با رقابت دارد که در سنجش نهایی در زمره اعمال مشروع تلقی خواهند شد. به طور کلی در مواجهه با شروط محدود کننده آنچه اهمیت دارد هدف این دسته از محدودیتهای و آثار اقتصادی آنها از منظری کلان است. به طوری که اگر واقعاً مقصود ذی نفع، محدود کردن رقابت و سلب آزادی تجاری پذیرنده محدودیتهای و آسیب زدن به موقعیت رقابتی وی باشد و نه استفاده از تمهیدات قانونی برای محافظت از منافع مشروع خود باشد، چنین اقداماتی ضد رقابتی تلقی خواهد شد. همچنین در ارزیابی شروط باید در ابعاد اقتصادی آن تعمق کرد و پیامدهای به سود رقابت آنرا نادیده نگرفت، در بعضی موارد باید جانب تحدیدات را گرفت و منابع افزون تر را قربانی کاهش



¹. Byrne, Noel And Mcbratney, Amanda. Op. Cit, p. 481,483, 506.



سطح رقابت نکرد، زیرا پیامدهای ضد رقابتی چنین شروطی قابل اغماض است. در بعضی موارد نیز آثار ضد رقابتی شروط به حدی است که نمی توان با تسامح از کنار آن گذشت. از این رو بر خورد یکسان با شروط قراردادی امکان پذیر نیست و باید با ارائه ضوابط و معیاری ترتیبات مشروع را از نامشروع بازشناخت که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت. در این بررسی علاوه تجزیه و تحلیل قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴، مقررات اتحادیه اروپا در خصوص رقابت نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت. همانطور که اشاره شد، اصول کلی رقابت در اتحادیه اروپا در ماده ۸۱ و ۸۲ معاهده رم آمده است. طبق بند ۱ ماده ۸۱ توافقات ضد رقابتی ممنوع هستند مگر اینکه توافقات مشمول بند ۳ شوند که در این صورت مجاز خواهند بود، کلیه توافقات مشمول بند ۱ باطل هستند. طبق ماده ۸۳ در راستای تحقق اصول مذکور در مواد ۸۱ و ۸۲، مقررات و دستور العمل های لازم باید توسط مراجع ذی ربط به تصویب برسد. تا قبل از سال ۲۰۰۴ آخرین دستورالعمل، دستور العمل کمیسیون اروپا به شماره ۹۶/۲۴۰ بود که توافقات را در ۳ لیست سیاه، سفید و خاکستری تقسیم بندی کرده بود. این مقررات بسیار محدود کننده و شکل گرایانه بود، به همین خاطر کمیسیون به اصلاح قوانین و دستور العمل ها پرداخت که نهایتاً در سال ۲۰۰۴ منجر به تصویب دستور العمل شماره ۲۰۰۴/۷۷۲ تحت عنوان دستور العمل معافیت های مربوط به انتقال فناوری^۱ شد. اصول راهنمایی چگونگی اعمال این مقررات نیز در ۲۳۵ بند تهیه گردید.^۲

ویژگی های اصلی مقررات جدید اتحادیه اروپا عبارتند از:

۱- تفکیک رقبا از غیر رقبا، ملاک رقیب بودن این است که هر دو طرف توافق در بازار مشابه فعالیت نمایند. از این تفکیک در تعیین محدودیت های ذاتی و محدودیتهای موضوع منطقه امن استفاده می شود.

۲- تقسیم بازار به بازار محصول و بازار فناوری، بازار محصول به بازار کالاها و خدمات در هر دو بعد جغرافیایی حجم و ابعاد محصول اشاره دارد، بازار فناوری هم، فناوری موضوع مجوز بهره

^۱ Technology Transfar Block Exemption Regulation (TTBER). از این به بعد با عنوان دستورالعمل

از آن یاد می کنیم

^۲ Jaeger, Melvin F. op.cit, p.237.

برداری و فناوری های جایگزین آن را در بر می گیرد. از این تقسیم بندی در تعیین توافق های مشمول منطقه امن استفاده می شود.

۳- تعیین محدودیت های ذاتی، که به محدودیتهایی اطلاق می شود که در صورت وجود آنها، توافق از محدوده معافیت خارج می شود. این موارد در ماده ۴ دستور العمل مورد حکم قرار گرفته است. در بند ۱ محدودیت های ذاتی بین رقبا و در بند ۲ به محدودیت های ذاتی بین غیر رقبا اشاره شده است.^۱

۴- پیش بینی منطقه امن، طبق آیین نامه توافق های مابین رقبا که سهم شان در بازار کمتر از ۲۰ درصد است و توافق های بین غیر رقبا که سهم شان در بازار کمتر از ۳۰ درصد است از ممنوعیت بند ۱ ماده ۸۱ خارج هستند.^۲

نکته مهم اینکه این دستور العمل فقط شامل قراردادهای انتقال فناوری می شود.

در ماده ۷ تریپس نیز آمده است که، اجرای حقوق مالکیت های فکری باید به نحوی باشد که مساعد به اشاعه فناوری بوده و به رفاه اقتصادی یا اجتماعی بینجامد. بند ۲ ماده ۸ نیز به اعضا اجازه داده تا به منظور جلوگیری از سوء استفاده از حقوق فکری و یا توسل به رویه هایی که تجارت را بطور غیر معقول محدود می سازد، تدابیری را اتخاذ کنند. در ماده ۴۰ نیز بر ضرورت کنترل رویه های ضد رقابتی تأکید شده است مطابق این ماده:

۱- اعضا اذعان دارند که برخی از رویه ها یا شرایط قراردادهای مجوز بهره برداری یا شروط مرتبط با حقوق مالکیت فکری محدود کننده رقابت هستند و ممکن است اثر سوء بر تجارت داشته و مانعی بر سر انتقال و اشاعه فناوری باشد.

۲- به کشورهای عضو اجازه داده شده تا در قوانین داخلی خود با اتخاذ تدابیر مناسب، به کنترل، منع و مقابله با رویه ها یا شروط مرتبط با قرارداد ليسانس که به نوعی سوء استفاده از دارایی های فکری محسوب شده و اثر نامطلوب بر رقابت را دارد، پردازند.

^۱.Anderman, Steven, Op, Cit, p86.

^۲.Jager, Melvin F. Op, Cit, p. 239.



کنترل رویه‌های ضد رقابتی توسط دولت‌ها با توجه به ماده ۴۰ تریپس منوط به وجود شرایط ذیل است:

- ۱- رویه‌ها یا شرایط صدور قراردادهای لیسانس، رقابت را محدود سازد.
- ۲- رویه‌ها یا شرایط مذکور بر تجارت اثر سوء داشته باشند.
- ۳- رویه‌ها یا شرایط مذکور مانع انتقال و اشاعه فناوری گردند.
- ۴- نحوه اعمال کنترل و یا جلوگیری از بروز رفتارهای ضد رقابتی در قوانین ملی کشورها تصریح شده باشد.
- ۵- انجام اقدامات مقتضی بر اساس قوانین ملی منطبق با سایر مقررات تریپس باشد.

بخش سوم: تحدیدات مشروع

در قرارداد های لیسانس، پاره ای از محدودیت ها جز ذات قرارداد بوده و از لحاظ رقابتی ایرادی بر آن نمی توان گرفت. دسته ای دیگر از شروط نیز با داشتن شرایطی در زمره معافیت ها قرار می گیرند. در این گفتار در طی ۲ قسمت به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

بند اول: محدودیت های ذاتی قرارداد لیسانس

برخی از شروط و محدودیتها در پیوند با قرارداد و فناوری هستند و درج آنها در توافق معمول، و در راستای تحقق اهداف مشروع طرفین و حمایت از دارنده فناوری ضروری است. از مصادیق چنین شروطی می توان موارد زیر را بر شمرد:

الف) تعهد به رازداری: در قراردادد ممکن است اطلاعات محرمانه و بویژه دانش فنی در اختیار مجوز گیرنده قرار گیرد. توقع رازداری در حفظ اطلاعات از جانب مجوز گیرنده کاملاً منطقی و موجه است.

ب) تعهد مجوز گیرنده به عدم اعطای لیسانس فرعی: از آنجا که فناوری از اموال مجوز دهنده است، او اصولاً حق دارد که نسبت به واگذاری مال خود تصمیم بگیرد و مجوز گیرنده جز در لیسانس انحصاری حق واگذاری فناوری را به اشخاص ثالث ندارد.



ج) تعهد به رعایت کف تولید: با توجه به اینکه در اکثر قراردادهای عوض بصورت حق امتیاز پرداخت می شود و مبنای حق امتیاز نیز اصولاً میزان تولید می باشد، درج این شرط در حفظ منافع مجوز دهنده موجه به نظر می رسد، چرا که درآمد او وابسته به فعالیت و تولید مجوز گیرنده است. در تایوان محدودیت هایی که ذاتاً قواعد رقابت را نقض نمی کنند، در فهرست سفید جای دارند، علاوه بر برخی از موارد مذکور، محدودیت در قلمرو و محدودیت در مدت قرارداد نیز در شمار این محدودیت ها قرار دارند. در ژاپن نیز در فهرست سفید، تعیین حداقل میزان فروش یا تولید وقتی که ضمانت اجرای عدم تبعیت از آن، تبدیل لیسانس انحصاری به غیر انحصاری باشد و یا ملزم ساختن مجوز گیرنده به اخذ مشاوره و نظر مجوز دهنده پیش از استفاده از فناوری های رقیب، همواره مشروع تلقی می شوند.^۱

بند دوم: تحدیدات مشمول قواعد معافیتی

یکی از نقاط تعامل مالکیت فکری و حقوق رقابت، این است که حقوق رقابت، برخی شروط مندرج در قراردادهای مالکیت فکری را از مشمول قواعد خود معاف ساخته و در زمره معافیت های کلی قرار داده است. فلسفه اقتصادی این رویکرد آن است که

۱- یکی از اهداف حقوق رقابت، حفاظت از رقابت در بازار و ایجاد کارایی است و حقوق مالکیت فکری به دلیل افزایش انگیزه در تولید و توزیع کنندگان، می تواند به طور غیرمستقیم باعث توسعه فضای رقابتی و ایجاد مطلوبیت و کارایی برای مصرف کنندگان شود، لذا برخورد سخت گیرانه با شروط محدود کننده رقابت در قراردادهای می تواند نقش مالکیت فکری در توسعه فضای رقابتی را با دشواری رو به رو کند.

۲- به دلیل ویژگی های خاص اموال فکری، وجود حق انحصاری برای صاحب آن امری انکار ناپذیر است، لذا با توجه به این ویژگی ها، سخت گیری حقوق رقابت در مورد اموال فکری و شروط محدود کننده راجع به آن، کمتر از اموال مادی است.^۲

^۱ Ibid, p. ۴۷۷, ۵۰۷-۵۰۸.

^۲ - صادقی، محسن، شمشیری، صادق، نقد قانون سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ایران از منظر رابطه مالکیت فکری و حقوق رقابت، فصلنامه پژوهش حقوق، ش ۳۳۰، ص ۱۳۹۰.





مقصود از «معافیت های کلی»^۱ آن است که قانونگذار یا دیگر مراجع ذی صلاح، با تهیه فهرستی از شروط آنها را از حیطه قواعد رقابتی، مستثنی می کنند. حسن این کار این است که برای تشخیص رقابتی یا ضد رقابتی بودن شروط مندرج در قرارداد، نیازی به مراجعه طرفین به محاکم قضایی نیست و صرف اینکه شرط جزء فهرست باشد، خود به خود از قلمرو حقوق رقابت معاف می شود. در ماده (۳) ۸۱ معاهده اتحادیه اروپا، قانونگذار پاره ای از شروط را در زمره معافیت ها قرار داده، در راستای اجرای این ماده، در ماده ۳ دستورالعمل «جایگاه امنی»^۲ تعریف شده است که در صورت جای گرفتن قرارداد در محدوده آن، نیاز به فرایند پیچیده ارزیابی تفصیلی و برآورد آثار رقابتی قرارداد منتفی شده و چنین فرض می شود که قرارداد، فاقد اثر ضد رقابتی قابل توجهی بوده است. برای اینکه شرط محدودکننده رقابت، طبق مقررات مذکور مشمول معافیت کلی باشد تحقق چند شرط لازم است: ۱- موضوع قرارداد راجع به انتقال فناوری باشد. ۲- در قرارداد، به ابعاد حقوق مالکیت فکری هم توجه شده باشد ۳- اگر قرارداد لیسانس میان دو طرف رقیب در بازار باشد، سهم مجوز دهنده نباید از ۲۰ درصد سهم بازار تجاوز کند و اگر طرفین غیر رقیب باشند، سهم مجوز دهنده نباید از ۳۰ درصد سهم بازار بیشتر باشد.^۳ مطابق ماده (۱) ۷ دستورالعمل، اگر قراردادی مشمول معافیت باشد، مانع از آن نیست که کمیسیون اروپایی یا مقامات ذی صلاح در کشورهای عضو، اجرای معافیت ها را بنا به مصالحی متوقف سازند. متأسفانه در قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ اساساً به چنین موضوعی اشاره نشده است و تشخیص معافیت ها، طبق بند ۱ ماده ۵۸ به شورای رقابت واگذار شده است که لازم است در اصلاحات قانون این مهم مد نظر قرار گیرد.

بخش چهارم: تحدیدات مشکوک (مظنون)

در این بخش به بررسی شروطی می پردازیم که وضعیت رقابتی آنها مشخص نیست و با توجه به شرایط باید در خصوص مشروعیت یا عدم مشروعیت آنها تصمیم گرفت. در قسمت اول

^۱ - Blok Exemptions

^۲ - Safe Harbor

^۳ - صادقی، محسن، شمشیری، صادق، همان. ص ۱۴۰

موضع اتحادیه اروپا، آمریکا و ایران را در خصوص این شروط بررسی خواهیم کرد و در قسمت دوم به مصادیق این شروط می پردازیم.

بند اول: بررسی موضوع کشورها در خصوص شروط مظنون

در اتحادیه اروپا، تحدیداتی که در شمار محدودیت‌های محض قرار نداشته ولی به سبب تجاوز سهم طرفین از حد مقرر، مشمول معافیت‌ها نیز نمی‌باشند، لزوماً نامشروع محض تلقی نشده و باید به صورت انفرادی مورد تحلیل قرار گیرند، تا مطابقت آنها با قواعد رقابتی اتحادیه، بررسی شود. در ارزیابی این شروط، بر این نکته تاکید می‌شود که آیا آنها به نحو بالقوه یا بالفعل، توان تحدید یا اخلال در رقابت را دارند یا خیر. در صورت مثبت بودن پاسخ، ماده (۱) ۸۱ اتحادیه، مانع از نفوذ چنین توافقاتی خواهد شد. در ماده ۵ دستورالعمل به شروطی اشاره شده که اگر چه از معافیت برخوردار نیستند، اما پس از بررسی انفرادی، وضعیت رقابتی آنها مشخص خواهد شد. مطابق معیارهایی که ماده (۳) ۸۳ ارائه کرده، اگر کارکرد توافقات محدود کننده در جهت توسعه تولید یا بهبود توزیع محصولات باشد و یا به پیشرفت اقتصادی و فنی کمک کند و سهم عادلانه‌ای را نصیب مصرف کنندگان سازد، موجه محسوب می‌شود، مشروط بر آنکه اعمال تحدیدات برای نیل به این اهداف ضروری باشد و زمینه رقابت را بطور عمده از بین نبرد. باید به این نکته توجه داشت که اگر محدودیت‌های خفیف‌تر برای دستیابی به نتایج مورد نظر کفایت نماید، اتخاذ تزییقات بیشتر، فاقد توجیه است.^۱ در کل، تهدیدات باید به سود مصرف کننده باشد و سهم عادلانه‌ای را نصیب او کند و در هر حال اثری که تحدیدات بر کارایی بازار و رفاه مصرف کننده دارد، باید پیامدهای نامطلوب ناشی از آن را تحت پوشش قرار دهد. تحدیدات قراردادی نباید بستر رقابت را از بین ببرد. در بررسی این تحدیدات موضع رقابتی طرفین نسبت به یکدیگر از اهمیت بسزایی برخوردار است. توافقات میان رقبا با حساسیت بیشتری نسبت به توافق میان غیر رقبا بررسی می‌شود. اگر پس از قرارداد وضعیت رقابتی طرفین تغییر کند، قواعد جدید نسبت به قرارداد اعمال می‌شود. مگر آنکه مفاد آن به نحو عمده‌ای تعدیل گردد.^۲ از دیگر معیارهایی که



^۱ . Byrne, Noel And Mcbratney, Amanda.Op. Cit,p. 146-147.

^۲ - Anderman, Steven.Op.Cit, p.98.



در بررسی اعتبار این تحدیدات باید مورد توجه قرار گیرد. مولفه های بازار و سهم هر یک از طرفین در بازار است. وضعیت بازار پیش و پس از اعمال محدودیت ها و اثری که توافق بر کلیت بازار به جای می گذارد، باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد. هر چه بازار پویایی کمتری داشته باشد، در برابر این رویه ها آسیب بیشتری می بیند. هر چه سهم طرفین در بازار بیشتر باشد، احتمال آنکه طرفین قدرت بازاری قابل توجهی پیدا کنند بیشتر است. که این امر در نهایت باعث ایجاد سیطره نامشروع در قلمرو رقابت و در نتیجه بی اعتبار کردن توافق خواهد شد.^۱ شمول ماده (۳) ۸۱ بر توافق، مانع از اعمال احتمالی ماده ۸۲ که به موضوع انحصار و سوء استفاده از موقعیت مسلط در بازار اختصاص دارد، نمی گردد. در تعریف موقعیت مسلط، آنرا وضعیتی می دانند که بنگاه در مورد محصول و بازارهای جغرافیایی ذی ربط، در موقعیت نیرومندی باشد. به طوری که بتواند مستقل از اراده رقیبان، خریداران و مصرف کنندگان نسبت به امور تجاری خود تصمیم بگیرد و مانع رقابت یا موجب محدودیت آن شود.^۲ در بند ۱۵ ماده ۱ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ نیز موقعیت مسلط بدین نحو تعریف شده است: «وضعیتی در بازار که در آن توانایی تعیین قیمت، مقدار عرضه یا تقاضای کالا یا خدمت یا شرایط قرارداد در اختیار یک یا چند شخص حقیقی یا حقوقی قرار گیرد» نکته قابل ذکر اینکه صرف داشتن موقعیت مسلط در بازار برای اعمال ماده ۸۲ کفایت نمی کند و بنگاه دارای چنین موقعیتی باید از موقعیت خود سوء استفاده کند تا بتوان با استناد به ماده مذکور از اقدامات بنگاه، جلوگیری به عمل آورد.

در بررسی این شروط، این شخص ذی نفع است که باید ثابت کند که شرط مندرج در قرارداد مغایرتی با رقابت ندارد، چرا که در این دسته از شروط اصل بر ضد رقابتی بودن آنها است.^۳

در آمریکا اگر چه به موجب ظاهر ماده ۱ قانون شرمز، هر نوع توافق محدود کننده تجاری، بی اعتبار است رویه قضایی آمریکا در تعدیل این حکم کوشیده و محدودیت هایی را که نه در زمره محدودیت های محض هستند و نه مشمول معافیت، طبق قاعده معقولیت بررسی می کند.

^۱ - Monti, Giorgio.Op. Cit, p.156.

^۲ - حبیبی، سعید، میرشمسی، محمد هادی، همان، ص ۴۰.

^۳ - صادقی، محسن، شمشیری، صادق، همان، ص ۱۴۴.

مراجع ذی صلاح در بررسی محدودیت ها طبق این قاعده، آثاری که محدودیت به سود رقابت و افزایش کارایی بازار دارد و همچنین نتایج نامطلوب آنرا بر رقابت مدنظر قرار داده و در نهایت مبادرت به اخذ تصمیم در خصوص رقابتی یا ضد رقابتی بودن محدودیت می کنند. بررسی هایی که طبق این قاعده انجام می گیرد، نوعی نبوده و وابسته به اوضاع و احوال خاص هر قضیه است.^۱ مراجع قانونی در بررسی های خود باید هدف محدودیت، یعنی اینکه محدودیت در راستای انتظار معقول طرفین از انعقاد قرارداد است یا پوششی برای دور زدن مقررات رقابتی، نوع رابطه طرفین، به این معنا که قراردادهای افقی به نسبت قراردادهای عمودی، بیشتر در معرض نقض قوانین رقابتی هستند و سهم طرفین در بازار، توجه کرده و با لحاظ این معیارها به تصمیم گیری در خصوص محدودیت ها پردازند.^۲ ژاپن در اصول راهنمای ناظر به قراردادهای لیسانس، یک فهرست خاکستری، تعریف کرده است که وضعیت شروط آن با توجه به اصول و ضوابطی مورد ارزیابی قرار می گیرد. همچنین در لیست خاکستری تیره شروطی قرار دارند که آثار ضد رقابتی آنها مشهودتر است و به همین دلیل مراجع قانونی در بررسی آنها انعطاف کمتری از خود نشان می دهند.^۳ در کره جنوبی نیز برای قرارداد های بین المللی انتقال فناوری، یک فهرست خاکستری در نظر گرفته شده است که مشتمل بر محدودیت هایی است که اصولاً ناقض قواعد رقابت هستند، اما در هر دعوا باید با توجه به شرایط خاص هر قضیه و بررسی نتایج مشروط محدود کننده و آثاری که بر رقابت می گذارند، اتخاذ تصمیم شود و اگر پیامدهای مثبت آن بیش از اثرات منفی اش است، مشروعیت آن مورد پذیرش قرار گیرد.^۴ متأسفانه در قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴، معیارهایی برای تشخیص و تفکیک این گونه محدودیتها پیش بینی نشده و قانونگذار صرفاً در موارد ۴۴ و ۴۵ مواردی را ضد رقابتی اعلام کرده است. به نظر می رسد که در اصلاحات قانون مذکور، این گونه شروط و معیارهایی برای تشخیص وضعیت آنها، باید مورد عنایت قانونگذار قرار گیرد.



¹ . Dratler, Jay, op. cit. p. 55-56.

² . Ibid. p. 55.

³ - Byne, Noel And Mcbratney, Amanda. op. cit, p. 429.

⁴ - Ibid, p. 462-463.

بند دوم: مصادیق شروط مشکوک

در این قسمت به بررسی مهمترین تحدیداتی می پردازیم که مشکوک به داشتن آثار ضد رقابتی هستند.

الف) محدودیت های سرزمینی

به موجب این شرط، مجوز گیرنده فقط حق فعالیت در قلمرو جغرافیایی مشخص شده در قرارداد را دارد. علت درج چنین شرطی در قرارداد توسط مجوز دهنده، می تواند این باشد که او مایل است حق فعالیت در سایر مناطق را برای خود حفظ کرده یا به اشخاص دیگری واگذار نماید. برقراری چنین محدودیت هایی از یک طرف باعث تشویق صاحب فناوری به انعقاد قراردادهای بیشتر و در نتیجه اشاعه فناوری می شود و از طرف دیگر، مجوز گیرندگانی که محدودیت در جهت حمایت از فعالیت آنها است با دلگرمی بیشتری به فعالیت می پردازند.^۱ از این نکته نیز نباید غافل بود که چنین رویه ای قابلیت تقسیم بازار، ایجاد انحصار محلی و بسترسازی برای ایجاد کارتل و لطمه به رقابت را دارد. با توجه به مطالب مذکور، مقررات رقابتی باید به نحوی وضع شوند که هم امکان برآورده شده نیازهای معقول طرفین امکان پذیر باشد و هم راه سوء استفاده از چنین شرطی مسدود گردد.^۲ در قراردادهای افقی، احتمال عدم مشروعیت توافقات حاوی تحدیدات سرزمینی، بیشتر است. در ارزیابی تحدیدات جغرافیایی، علاوه بر لحاظ قدرت در بازار طرفین، عوامل دیگری نظیر ماهیت محصولات و ویژگی های عرصه تکنولوژیک و ماهیت موضوع قرارداد و به خصوص وضعیت کلی رقابت در بازار و اثر محدودیت بر امکان فعالیت تازه واردین در آن عرصه باید مد نظر قرار گیرد.^۳ با توجه به مراتب مذکور محدودیت های سرزمینی اصولاً امری پذیرفته شده است مگر اینکه منجر به تقسیم بازار به منظور کاهش رقابت شود. در پرونده **Adam V. Burk**. بر همین اساس منع مجوزگیرنده از استفاده یا فروش ممنوع اعلام شد.^۴

^۱ - حبیب، سعید، میرشمسی، محمد هادی، همان، ص ۵۰.

^۲ - محمودی، اصغر، همان ص، ۱۹-۲۱۸.

^۳ Dratler, Jay. op. cit. p107.

^۴ Jager. Melvin F. op. cit. p.165.

اما در رویه فعلی محاکم با خوش بینی بیشتری به محدودیت سرزمینی توجه می‌شود. اگر این شرط مقرون به اهداف تجاری مشروع باشد اصولاً منعی ندارد، به عنوان مثال در پرونده **Foun dry services,inc V. Beneflun corp**. شرکت انگلیسی به شرکت امریکایی فاندری مجوز استفاده از فناوری خود را اعطا نمود. مجوزدهنده متعهد بود که از صادرات کالا به امریکا خودداری کند و متقابلاً مجوزگیرنده هم متعهد بود که از صادرات به انگلیس خودداری کند. شرکت انگلیسی اقدام به توزیع کالا در امریکا نمود با این استدلال که شرط خلاف حقوق رقابت بوده و آزادی رقابت را مخدوش می‌سازد، ولی دادگاه استدلال او را رد کرد و اقدام این شرکت را ممنوع اعلام نمود.^۱ در اتحادیه اروپا مطابق قسمت سوم ماده (۱) ۴ دستورالعمل، شرط محدودیت سرزمینی یکی از طرق تقسیم بازار است. طبق این ماده، تقسیم بازار از طریق ایجاد محدودیت سرزمینی، چنانچه توافق بین رقبا بصورت متقابل باشد، ذاتاً ممنوع خواهد بود. ولی در صورت غیر متقابل بودن قرارداد، این محدودیت تا سقف ۲۰ درصد از سهم بازار مشمول معافیت می‌باشد و چنانچه طرفین غیر رقیب باشند صرف نظر از متقابل یا غیر متقابل بودن آن تا میزان ۳۰ درصد از سهم بازار مشمول معافیت قرار می‌گیرد.

در ماده ۴ اصول راهنمای ژاپن، اصولاً اعمال محدودیت بر سر منطقه فروش مجاز است، اما محدود کردن مجوزگیرنده به فروش در قلمرو یا به مشتریانی خاص یا استفاده از شیوه‌هایی معین برای فروش، مادام که چنین ضرورتی احساس نمی‌شود و آزادی مجوزگیرنده را به طرز غیر معقولی محدود می‌کند، نوعی رویه غیر منصفانه تلقی می‌شود.^۲ در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، به طور خاص به این شرط اشاره‌ای نشده است. اما از آنجا که اثر چنین شرطی در بعضی موارد می‌تواند تقسیم بازار باشد، می‌توان با تمسک به بندهای ۷ و ۶ ماده ۴۴ به ممنوعیت چنین شرطی، حکم داد. البته باید توجه داشت که قید این شرط باید موجب محدود کردن دسترسی اشخاص خارج از قرارداد به بازار شده و یا به منزله تقسیم بازار کالا یا خدمات بین دو یا چند شخص بوده و موجب اختلال در رقابت نیز گردد، تا ممنوعیت آن مورد پذیرش قرار گیرد.

^۱. Ibid, p.166.

^۲ - Byrne, Noel And Mc bratney, Amanda.op. cit,p.467. 494.

با توجه به عدم پیش بینی معافیت ها در قانون ایران، باید در خصوص اعمال حکم ماده ۴۴ دقت و احتیاط کامل را کرد تا باعث تضییع حقوق مشروع صاحبان اموال فکری نگردد.^۱

ب) محدودیت در تولید

در این شرط، مجوز گیرنده متعهد شود تا در تولید محصول مشمول فناوری، از حد معینی فراتر نرود. در حقوق آمریکا توافق بر سر محدودیت در خصوص میزان تولید میان غیر رقبا، تحت قاعده معقولیت بررسی می شود. به این نکته نیز باید توجه کرد که گاهی تعیین سقف برای تولید، به مجوز دهنده این امکان را می دهد تا میزان تولید را به میل خود تنظیم کرده و بازار را تحت کنترل خود قرار داده و به تحصیل منافی بپردازد که استحقاق آن را ندارد. با وجود این، در مواردی که این رویه به کاهش هزینه ها و اشاعه فناوری کمک کند با دیده منطقی از سوی محاکم نگریسته می شود.^۲ در اتحادیه اروپا، توافق بر محدودیت تولید در میان رقبا مطابق ماده (ب) (۱) ۴ دستورالعمل در شمار محدودیت های محض است. اما در همان ماده، محدودیت در تولید نسبت به یک یا چند گیرنده در قراردادی غیر متقابل و تحدید نسبت به یک گیرنده در قراردادی متقابل استناد شده است. در میان غیر رقبا، اشاره ای به عدم مشروعیت تحدید نشده است و بنابراین چنین محدودیتی تا سقف مقرر از سهم بازار، مشمول معافیت است. طبق بند ۱۷۸ اصول راهنما، محدودیت تحمیلی در خصوص میزان تولید به مجوز گیرنده، به دلیل اینکه روند انتقال فناوری را تسهیل می کند و امکان بهره مندی دیگران از فناوری را فراهم می کند، به سود رقابت است. کمیسیون اروپایی تاکید کرده است که تحدید تولید در روابط میان غیر رقبا در صورتی که از سهم بازار تجاوز ننماید و مشروط بر آنکه مجوز دهنده نیز متعهد نباشد که همین محدودیت را نسبت به سایر مجوز گیرندگان اعمال نماید، از حیث رقابتی قابل پذیرش است. به عکس زمانی که مجوز گیرنده دارای سهم قابل توجهی در بازار است و هنگامی که مجموع تولید در سطح نازلی قرارداد، اعتبار چنین توافقی، محل تردید است^۳ این شرط با احراز شرایطی می تواند مصداق سوء



^۱ - نوروزی، مشیت الله، همان، ص ۱۴۲.

^۲ - Anderman, Steven. op. cit, p. 212.213.

^۳ - Byrne, Noel And Mcbrathey, Amanda. op. cit, p.186.

استفاده از موقعیت باشد و مشمول حکم ماده ۸۲ قرار گیرد. در اصول راهنمای ژاپن، بسیاری از محدودیت ها با موضوع تحدید تولید، در دایره حقوق ناشی از مالکیت های فکری جای نمی گیرند و مضمون به داشتن آثار ضد رقابتی هستند، برای مثال محدودیت اعمال شده بر سر حداکثر تولید یا تعیین سقف برای دفعات استفاده از فناوری در عرصه تولید با توجه به اوضاع و احوال خاص هر قضیه و با در نظر گرفتن اثری که به رقابت در بازار دارند، بررسی می شوند. در تایوان تحدید تولید در زمره توافقاتی است که احتمالاً مانع یا کاهش دهنده رقابت منصفانه است و مراجع قانونی با لحاظ عوامل مختلف، به ارزیابی توابع آن بر بازار پرداخته و تعیین می کنند که آیا چنین توافقی از مصادیق سوء استفاده از موقعیت مسلط است یا خیر.^۱ در بند ۲ ماده ۴۴ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ تبانی قراردادی در «محدود کردن یا تحت کنترل درآوردن مقدار تولید، خرید یا فروش کالا و خدمت در بازار» ممنوع اعلام شده و در قسمت ۳ از بند (ط) ماده ۴۵ «تهدید مقدار عرضه و یا تقاضا به منظور افزایش و یا کاهش قیمت بازار» نوعی سوء استفاده از موقعیت مسلط، محسوب می شود. در این موارد هر نوع تحدید تولیدی ممنوع اعلام شده که به نظر صحیح نیست، چرا که در تحدیدات غیر متقابل و در توافقات غیر انحصاری و همچنین در روابط غیر رقبا باید حسب شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد در خصوص اعتبار آنها تصمیم گرفت. زیرا غالباً چنین توافقاتی اثر ضد رقابتی قابل توجهی ندارند.

۳۷۵



ج) محدودیت دامنه استفاده^۲

به موجب این شرط اگر فناوری موضوع قرارداد دارای چند کاربرد باشد، مجوز گیرنده متعهد می شود که فقط از مواردی که مجوز گیرنده اجازه داده، استفاده کند و حق استفاده از فناوری در سایر زمینه ها برای خود مجوز دهنده یا سایر مجوز گیرندگان، محفوظ باقی می ماند.

در امریکا، مجوز دهنده می تواند زمینه استفاده را در قرارداد محدود کند و این محدودیت اصولاً مشروع تلقی می شود، از آنجا که دارنده فناوری می تواند به موجب تصمیمی شخصی از بهره گیری از فناوری در برخی زمینه ها صرف نظر کند و گیرنده قائم مقام او محسوب می شود و

^۱ -Ibid.p.495 and 477- 478.

^۲ - Field Of Use.



در همان جایگاه قرار می‌گیرد، اصولاً نمی‌توان از این حیث اعتبار قرارداد را زیر سوال برد.^۱ با وجود این، اگر چه محاکم امریکا در غالب موارد دیدگاه مثبتی نسبت به این شرط دارند، اما اخیراً این نظر بیشتر مقبولیت دارد که اعتبار مطلق آنها را نباید پذیرفت و مشروعیت آنها را باید با توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص باید سنجید. دیوان عالی امریکا بر این اعتقاد است شاخص اعتبار چنین شرطی در پرتو قاعده معقولیت آن است که آیا محدودیت در راستای گسترش قلمرو مالکیت‌های فکری است یا صرفاً ابزاری در جهت تحدید رقابت. اگر این محدودیت از صرف عرصه‌های فنی فراتر رود یا وسیله تحصیل منافعی باشد که به طرز غیر متعارفی فراتر از استحقاق مجوزدهنده است، احتمالاً شرط مذکور در تعارض با قواعد رقابت است.^۲ در پرونده **Susser V. Carvel corp** مالک اسرار تجاری تولید بستنی، مجوز استفاده را در یک زمینه بسیار محدود اعطا نمود و مقرر شد مجوزگیرنده فقط بستنی را برای مجوزدهنده تولید کند. این شرط از نظر دادگاه غیر رقابتی تشخیص داده شد.^۳ در حقوق اتحادیه اروپا به موجب قسمت اول ماده (ج) (۱) ۴ دستورالعمل، محدودیت در زمینه استفاده فنی یک یا چند مجوزگیرنده رقیب، اصولاً مشروع قلمداد می‌شود و به موجب قسمت دوم همان ماده، در یک لیسانس غیر متقابل میان رقبا، یک مجوز دهنده یا گیرنده ممکن است، محدود به زمینه‌ای خاص شود و چنین تضییقی از دایره محدودیت‌های محض استثناء شده است و اگر سهم بازار طرفین از حدود مقرر تجاوز نکند، چنین توافقاتی مشمول معافیت‌های قانونی است. اما لیسانس متقابل انحصاری که حاوی محدودیت دامنه استفاده باشد، چنین وضعیتی ندارد. به طریق اولی چنین تحدیدی در روابط غیر رقبا، حتی اگر قرارداد به صورت لیسانی منفرد یا انحصاری باشد نیز جز محدودیت‌های نامشروع محض قلمداد نمی‌شود، بنابراین مادام که این محدودیت در چهارچوب قرارداد لیسانس باشد، باید آن را به منزله نوعی تفریض اختیار با مجوزگیرنده داشت که مشمول بند ۸۱ ماده ۸۱ نخواهد بود.^۴ این شرط، این مزیت را دارد که به انتشار فناوری کمک کرده و مجوز دهنده را تشویق می‌کند تا فناوری را

^۱ - Patterson, Mark R. Contractual Expansion Of The Scope Of Patent Infringement Through Field-of-use Licensing. 2007: Available At: www.ssrn.com/abstract=946413p.5-6.

^۲ - Ibid.

^۳ - Jager. Melvin F. op. cit, p.172.

^۴ - Anderman, Steven. op. cit, p.90-91.

برای مقاصد و استفاده های فرعی، در اختیار دیگران گذارد^۱. اما از سوی دیگر این خطر را در بردارد که بخش عمده ای از بازار را از رقابت در عرصه ای خاص محروم می کند و به این ترتیب مجوز گیرنده در خارج از قلمروی زمینه استفاده، فاقد قدرت رقابتی می شود که همین امر احتمال ضد رقابتی بودن شرط را قوت می بخشد.^۲ اصول راهنمای اروپا در بند ۱۸۳ میان محدودیت های متقارن و غیر متقارن زمینه استفاده، تمایز قائل شده است. محدودیت زمینه استفاده هنگامی متقارن است که در لیسانس متقابل، طرفین فناوری های خود را برای بهره برداری در یک زمینه مشابه به لیسانس یکدیگر می دهند و هنگامی نامتقارن است که زمینه استفاده از فناوری های موضوع قرارداد با یکدیگر متفاوت است یک قرارداد با محدودیت متقارن در خصوص زمینه استفاده میان رقبا، تشویش رقابتی کمتری ایجاد می کند. مطابق ماده ۴ اصول راهنمای ژاپن، اصولاً محدودیت درباره زمینه استفاده مجاز است، زیرا این توافق حاصل اعمال حق ناشی از مالکیت های فکری قلمداد می شود. اما اگر این شرط مجرای برای سوء استفاده از موقعیت مسلط در بازار باشد و به منافع مجوز گیرنده به نحو غیر متعارفی لطمه بزند، اعتبار آن محل تردید است.^۳

باید توجه داشت که اگر مجوز دهنده با تمسک به این شرط بخواهد بر بازار کنترل یابد یا درج این شرط به تقسیم بازار منتهی شود و یا این شرط عملاً بهره برداری از فناوری را به زمینه هایی محدود کند که کارایی چندانی برای مجوز گیرنده ندارد و هدف او را از انعقاد قرارداد محقق نسازد، اعتبار آن محل تردید است و مراجع رقابتی باید در برابر آن واکنش نشان دهند. در قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴، بطور صریح به این شرط اشاره نشده است. در خلاء مقرر ای قانونی در خصوص این شرط شاید بتوان با استناد به بند ۴ ماده ۴۴ که شرط «ملزم کردن طرف معامله به عقد قرارداد با اشخاص ثالث یا تحمیل کردن شروط قرارداد به آنها» را در صورتی که موجب اخلال در رقابت شود، ممنوع اعلام کرد، به این نحو که این شرط را جزء شروط تحمیلی در قرارداد بدانیم. همچنین درج این شرط در قرارداد را می توان مصداق سوء استفاده از موقعیت مسلط دانست و به استناد قسمت ۵ از بند (ط) ماده ۴۵ به ممنوعیت آن حکم داد. در اصلاحات

^۱ - صادقی، محسن، شمشیری، صادقی، همان، ص ۱۴۱.

^۲ - زاهدی، مهدی، همان، ص ۲۳۹.

^۳ - Byrne, Noel And Mc bratney. Amanda, op.cit.p.494.

قانون، قانونگذار باید در این خصوص به وضع قانون مبادرت ورزد. از آنجا که کشور ما بیشتر وارد کننده فناوری است، تا صادر کننده آن، موضع قانونگذار در وضع قانون باید به نحوی باشد که نیازهای تکنولوژیک کشور در انعقاد قراردادهای انتقال فناوری، محقق شود.

د) شرط اعاده بهبودات فناوری^۱

مجوز گیرنده پس از استفاده از فناوری و از طریق برنامه های تحقیق و توسعه، توان بهینه سازی و ارتقای فناوری را پیدا می کند. از این رو در قرارداد شرطی گنجانده می شود که به موجب آن، مجوز گیرنده متعهد می شود که در صورت دستیابی به بهبودات، آنها را به مجوز دهنده واگذار یا به او لیسانس دهد. البته این امکان وجود دارد که این تعهد برعهده مجوز دهنده یا بصورت متقابل نیز باشد، اما شکل معمول آن این است که متعهد شرط، مجوز گیرنده باشد. بندهای (الف) و (ب) ماده (۱) ۵ دستورالعمل، هر گونه تعهد مستقیم یا غیر مستقیم مجوز گیرنده به انتقال یا اعطای لیسانس انحصاری بهبودات مستقل یا کاربردهای نوین فناوری موضوع قرارداد به مجوز دهنده یا شخص ثالثی که وی تعیین می کند را از شمول معافیت ها خارج داشته و در اعتبار آن تردید می کند. علت این امر آن است که انتقال کلی یا جزئی یا لیسانس انحصاری، انگیزه های مجوز گیرنده را برای نوآوری از بین می برد. اما لیسانس غیر انحصاری مجاز و مشمول معافیت های قانونی است حتی اگر به نحو غیر متقابل باشد، یعنی فقط مجوز گیرنده تعهدی مبنی بر انتقال بهبودات در برابر مجوز دهنده نموده باشد.^۲ با وجود این، طبق بند ۱۰۹ اصول راهنما، لیسانس انحصاری یا انتقال کامل بهبودات غیر مستقل که قابل تفکیک از فناوری موضوع قرارداد نیستند، اصولاً ضد رقابتی محسوب نمی شوند، زیرا بهره برداری از آنها مستلزم اخذ مجوز از مجوز دهنده نسبت به فناوری پایه است. اعتبار این شرط در حقوق آمریکا، تحت قاعده معقولیت بررسی می شود و انحصاری یا غیر انحصاری بودن لیسانس در مشروعیت این شرط، نقشی اساسی دارد، رویه کلی این است که لیسانس غیر انحصاری فناوری بهبود یافته که دوره آن از مدت قرارداد لیسانس فراتر نمی رود، قواعد ضد انحصار را نقض نمی کند، زیرا فرصت اعطای مجوز به

^۱ - Grant Back Of Improvements

^۲ . Byrne, Noel And Mcbratney, Amanda. op. cit, p. 282- 283.

دیگران در چنین وضعیتی در اختیار دریافت کننده فناوری است و خود نیز فرصت بهره‌برداری از آن را دارد.^۱ در پرونده Shin Nippon koki co V. Irvin industries قرارداد حاوی شرطی بود که به موجب آن مجوزگیرنده متعهد به انتقال هر نوع دانش چگونگی به مجوزدهنده بود. این شرط از نظر دادگاه باطل اعلام شد. از نظر دادگاه درج شرط اعاده بهبودات فی نفسه خلاف حقوق رقابت نیست، اگر شرط و مندرجات آن معقول باشد صحیح و در غیر این صورت بر خلاف قانون شرمین بوده و باطل است.^۲ در ماده ۴۰ موافقت نامه تریپس، یکی از نمونه اقداماتی که مانعی غیر متعارف بر سرتجارت ایجاد نموده و یا آثار سوء بر انتقال فناوری دارد، شرط اعاده بهبودات فناوری موضوع قرارداد معرفی شده است. در ژاپن، انتقال و اعاده انحصاری بهبودات فناوری بدون پرداخت عوض مناسب، در فهرست خاکستری تیره جای دارد. در کره جنوبی نیز اعتبار اعاده غیر انحصاری بهبودات فناوری بدون دریافت عوض، به طور خودکار پذیرفته نشده و اعتبار آن حسب اوضاع و احوال خاص حاکم بر هر قضیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۳ در قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴، به صراحت در این خصوص حکمی وجود ندارد. اما اگر مجوز گیرنده این شرط را در نتیجه تحمیل یا به خاطر موقعیت مسلطی که مجوز دهنده دارد، قبول کند، می‌توان با تمسک به بند ۴ و ۵ ماده ۴۴ و بند (ط) ماده ۴۵ به ممنوعیت آن حکم داد. در اصلاحات قانون، لازم است در این خصوص نیز قانونگذار به وضع قانون بپردازد و با لحاظ آثار مثبت این شرط مانند، عدم طرد شدن مجوز دهنده از بازار و افزایش درآمدهای او که این موارد در نهایت انگیزه های نوآوری او را قوت می‌بخشد و آثار منفی آن به وضع قانون مبادرت ورزد.

ذ) شروط پیوندی^۴

به موجب این شرط، مجوز دهنده اعطای لیسانس در خصوص فن آوری را منوط به آن می‌کند که مجوز گیرنده در خصوص فناوری دیگری، از مجوز دهنده تحصیل لیسانس نماید یا این که کالا یا کالاهای مشخصی را از مجوز دهنده یا شخصی که او مشخص می‌نماید، خریداری

^۱. Dratler, Jay. op. cit, p.97.

^۲. Jager. Melvin F. op. cit, p.174.

^۳ Byrne, Noel And Mcbratney, Amanda. op. cit, p.495 and 506- 507.

^۴ - Tying clauses





کند. در دستورالعمل اتحادیه اروپا، ترتیبات پیوندی در دسته محدودیت های محض قرار نگرفته اند، در نتیجه اگر سهم طرفین از میزان مقرر تجاوز نکند در صورتی که رقیب باشند از ۲۰ درصد و اگر غیر رقیب باشند از ۳۰ درصد سهم بازاری تجاوز نکند- توافق با محدودیت رقابتی مواجه نیست.^۱ اما اگر سهم طرفین بیشتر از سقف تعیین شده باشد، توافق باید به موجب ماده (۳) ۸۱ اتحادیه اروپا بررسی شود. مطابق بند ۱۹۴ اصول راهنما، اگر شروط پیوندی موجب افزایش کارایی شوند، مانند زمانی که کالای پیوند شده برای بهره برداری حداکثری از فناوری موضوع لیسانس ضروری است یا استفاده از آن برای تولید محصولی با کیفیت مورد نظر مجوز دهنده ضرورت دارد. همچنین زمانی که مجوز گیرنده از علامت تجاری مجوز دهنده استفاده می کند و کالاهای تولید شده باید استاندارد مجوز دهنده را داشته باشند، محدود کننده رقابت نیستند یا مشمول حکم مقرر در ماده (۳) ۸۱ می شوند. در قلمرو ماده ۸۲، شروط پیوندی نمونه ای از سوء استفاده از موقعیت مسلط هستند در صورتی که محرز شود محصولات پیوندی مستقل از موضوع قرارداد بوده و مجوز دهنده در موقعیت مسلط قرار داشته و با نوعی اجبار، محصول خود را به مجوز گیرنده تحمیل کرده است. اگر در قرارداد مجوز گیرنده متعهد شود در صورتی که بخواهد محصولاتی در ارتباط با فناوری خریداری کند، این امر را به اطلاع مجوز دهنده برساند تا او با پیشنهاد بهتری نسبت به سایر رقبا، نظر مجوز گیرنده را تأمین نماید، چنین امری از لحاظ مقررات رقابتی و طبق ماده (۱) ۸۱ به دلیل جمع آوری اطلاعات راجع به فعالیت رقبا در عرصه ای خاص و روشی برای کنترل بازار، فاقد اعتبار است.^۲ در حقوق آمریکا، رویه قدیمی دادگاه این بود که ترتیبات پیوندی در قراردادهای لیسانس را بطور مطلق ضد انحصاری می دانستند.^۳ اگر محصولات مورد پیوند ارتباط معمولی با موضوع قرارداد نداشته باشند یا مجوز دهنده با هدف تسلط به بازار از این شرط به عنوان امری برای نیل به هدفش استفاده کند و مجوز گیرنده را مجبور به پذیرش شرط کند، توافق در خصوص شرط پیوندی ذاتاً باطل خواهد بود. مطابق اصول راهنمای آمریکا در خصوص قراردادهای انتقال فناوری، اعتبار قراردادهای حاوی شروط پیوند به موجب قاعده

^۱ - محمودی اصغر، همان، ص ۲۱۱.

^۲ - Byrne, Noel And Mcbratney, Amanda. op.cit, p.260.

^۳ - صابری، روح الله، همان، ص ۱۱۶.

معقولیت بررسی می شود و اگر کارایی حاصل از شرط بیشتر از پیامدهای ضد رقابتی آن باشد به مشروعیت شرط حکم می شود.^۱ دیدگاه دیوان عالی در برابر رویکرد اصول راهنما، به درستی مشخص نیست. ضابطه سابق در دیوان عالی این است که اگر برای فناوری موضوع قرارداد محصولات پیوندی، تقاضاهای مستقل و متعدد در بازار وجود داشته باشد، پل زدن به بازار محصولات مختلف، از طریق قراردادهای انتقال فناوری، به سود مصرف کنندگان نبوده و فاقد توجیه است. در دعوی آمریکا علیه مایکروسافت، دادگاه های ایالتی و فدرال هر دو، اظهارات خواهان را مبنی بر اینکه اقدام مایکروسافت در تنظیم برنامه ویندوز ۹۸ به نوعی که تنها با پردازشگرهای شرکت اینتل سازگاری داشته باشد، به انحصار گرایی در بازار دامن زده و مانعی برای ورود سایر رقبا به عرصه پردازشگرهای رایانه ای است، موجه دانستند. البته در همین پرونده، دادگاه منطقه ای، صراحتاً از معیار دادگاه عالی در خصوص وجود تقاضاهای متعدد برای فناوری موضوع قرارداد و محصولات پیوندی، انتقاد و آن را با مقتضیات رقابت هماهنگ ندانست و به تأیید اظهارات مایکروسافت پرداخت که چنین رویه ای را مساعد به ارتقای انگیزه های نوآوری معرفی می نمود.^۲ در تایوان اگر برای این ترتیبات مبنایی موجه و معقولی وجود نداشته باشد، این ترتیبات ناقض قواعد رقابتی بشمار می آیند. در ژاپن ترتیبات پیوندی ای که به منظور تحقق اهداف شروع از جمله کنترل کیفیت محصولات باشند، اصولاً با مانع قانونی مواجه نیستند، در غیر این صورت مشروعیت آنها به طور جدی محل تردید است. در کره جنوبی نیز اگر این ترتیبات تبعات مطلوبی برای رقابت در برداشته باشند، معتبر محسوب می شوند.^۳ در قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴، به شرط پیوندی اشاره شده است. در بند ۵ ماده ۴۴ «موکول کردن انعقاد قرارداد به قبول تعهدات تکمیلی توسط طرفهای دیگر که بنا بر عرف تجاری با موضوع قرارداد ارتباط ندارد» ممنوع اعلام شده است. همچنین قسمت ۱ بند (و) ماده ۴۵ «منوط کردن فروش یک کالا یا خدمت به خرید کالا یا خدمت دیگر یا بالعکس» را محکوم نموده است. قسمت ۵ از بند (ط) ماده ۴۵ نیز «مشروط کردن قراردادها به پذیرش شرایطی که از نظر ماهیتی یا عرف تجاری،

^۱ - Byrne, Noel And Mc bratney, Amanda. op.cit, p.430.

^۲ - Anderman, Steven.op.cit,p.206.

^۳ - Byrne, Noel And Mcbratney, Amanda. op.cit.p.478,495,506-507.



ارتباطی با موضوع چنین قراردادهایی نداشته باشد» را از موارد سوء استفاده از موقعیت مسلط خوانده است. هر چند اشاره قانونگذار به این شرط از نکات مثبت است، اما انتقادی که به این مواد وارد است این است که قانونگذار بطور مطلق هر شرط پیوندی را ممنوع اعلام کرده است و این در حالی است که برخی از این شروط در راستای اهداف رقابت بوده و مشروعیت آنها از لحاظ رقابتی قابل پذیرش است. بویژه زمانی که مجوز گیرنده از علامت تجاری مجوز دهنده استفاده می کند، درج این شرط کاملاً توجیه پذیر است. لذا توصیه می شود که در اصلاحات قانون قانونگذار از مطلق گرایی دست برداشته و با دید منعطف تری نسبت به این شرط نگاه کند.

خ) شرط معامله انحصاری و عدم رقابت

به موجب شرط معامله انحصاری مجوز گیرنده ملزم می شود تا از معامله با رقبا بپرهیزد و از فناوری ها و خدمات و محصولات آنها استفاده نکند و بطور انحصاری، کالاهای مورد نیاز خود را از مجوز دهنده یا شخصی که او تعیین می کند تهیه نماید. در معنای عام، چنین توافقی شامل شروط پیوندی نیز می شود ولی در معنای مضیق، مجوز گیرنده از استفاده از فناوری های رقیب فناوری موضوع قرارداد منع می شود، این شرط در مقایسه با شروط پیوندی، محدودیت های وسیع تری در بردارد و مجوز گیرنده را از فرصت بهره گیری از فناوری های پیشرفته رقبا محروم می سازد.^۱ اثر منفی این شرط این است که به ظرفیت های تولیدی و رقابتی مجوز گیرنده اثر می گذارد و باعث می شود مجوز گیرنده نتواند با رقبای مجوز دهنده معامله کند و در نتیجه باید تمام نیازهای خود را از طریق مجوز دهنده تأمین کند.^۲ در مقابل از نقاط مثبت این شرط می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- احتمال دارد مجوز گیرنده به دلیل کیفیت مناسب محصولات مجوز دهنده خود به این شرط رضایت داده باشد که در این صورت اثر ضد رقابتی ندارد.

^۱ - Anderman, Steven. op.cit, p.209.

^۲ - زاهدی، مهدی، همان، ص ۲۵۰.

۲- این شرط مجوز گیرنده را تشویق می کند تا تمام سرمایه مالی و انسانی خود را معطوف فناوری موضوع قرارداد کرده و در جهت ارتقای آن کوشش نماید که این امر مطابق با اهداف مالکیت فکری و حقوق رقابت است.

۳- این شرط روشی مناسب برای حفظ اسرار تجاری مجوز دهنده است.

۴- استفاده مجوز گیرنده از فناوری رقیب، اعمال کنترل بر پرداخت حق امتیاز را دشوار کرده و این امر انگیزه صاحب حق را در انتقال فناوری کاهش می دهد.^۱

در اروپا مطابق قسمت (دو) ماده (۱) ۴ دستورالعمل، چنانچه در توافق بین رقبا، مجوز گیرنده ملزم شده باشد از فناوری خود که رقیب فناوری انتقال دهنده است استفاده ننماید و یا در خصوص انجام تحقیق و توسعه محدود شده باشد، چنین محدودیتی ممنوع است، مگر اینکه به منظور جلوگیری از افشای دانش فنی و اطلاع اشخاص ثالث نسبت به آن ضروری باشد. اما اگر طرفین غیر رقیب باشند اعتبار آن در هر قضیه باید موردی بررسی شود.

مطابق بند ۱۹۷ اصول راهنما، اگر این شرط در خصوص عدم استفاده مجوز گیرنده از فناوری های اشخاص ثالث باشد، مشروط به رعایت سهم بازاری، مخالفتی با قواعد رقابتی نخواهد داشت. در آمریکا مطابق ماده (۴) ۵ اصول راهنما، اگر اعطای مجوز منوط به پذیرش این محدودیت شده و نوعی اجبار در میان باشد، قاعده بطلان ذاتی نسبت به آن اعمال می شود، در غیر این صورت، در ارزیابی شرط معامله انحصاری قاعده معقولیت حاکم است. اگر بخش عمده ای از بازار به موجب این توافق خارج از دایره رقابت بمانند، محاکم آنرا به سبب ممانعت از رقابت، ممنوع قلمداد می کنند. دوره زمانی معامله انحصاری نیز در فرایند ارزیابی نقش مهمی دارد. در آرا صادره همواره تاکید شده که مجوز گیرنده باید سهم عمده ای از بازار را در اختیار داشته باشد، تا توان تاثیر گذاری بر رقابت را با تمسک به این شرط داشته باشد، با وجود این بر سر مقدار این سهم اتفاق نظر وجود ندارد، توجه به عوامل دیگر در این میان نقشی اساسی در سنجش مشروعیت ایفا می کند، مثلاً در دعوی **omega environmental V Gilbarco inc** سهم ۳۸ درصدی

۱- حبیب، سعید، میرشمسی، محمد هادی، همان، ص ۴۸.



مجوزدهنده در بازار از نظر دادگاه برای بی اعتباری شرط کفایت نمی کرد، زیرا مدت قرارداد کوتاه و همچنین توافق قابل فسخ بود. ولی کمیسیون فدرال تجارت در پرونده‌ای دیگر، سهم ۲۰ درصدی مجوزدهنده را عمده تلقی کرده و وجود این شرط را مانعی بر سر راه ورود سایر رقبا به بازار دانسته است.^۱ در قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴، در بند ۴ ماده ۴۴ «ملزم کردن طرف معامله به عقد قرارداد با اشخاص ثالث...» ممنوع شده و در قسمت ۲ بند (الف) ماده ۴۵ نیز «وادار کردن اشخاص دیگر به استنکاف از معامله و یا محدود کردن معاملات آنها با رقیب» و مطابق قسمت ۳ از بند دوم ماده مذکور «معامله با طرف مقابل با این شرط که طرف مذکور از انجام معامله با رقیب امتناع ورزد» بی اعتبار قلمداد شده است. ایرادی که به شرط قبل وارد است شامل این شرط نیز می شود، چرا که قانونگذار در خصوص این شرط نیز بطور مطلق و بدون در نظر گرفتن آثار مثبت آن، به ممنوعیت آن حکم کرده است.

نتیجه گیری

اگر چه اهداف حقوق رقابت در تمامی کشورها تا حدودی بسیاری به هم نزدیک است و رسیدن به رفاه مصرف کننده هدف غایی تلقی می شود، اما سطح توسعه یافتگی کشورها در اتخاذ سیاست های رقابتی بسیار اثر گذار است. روند شکل گیری حقوق رقابت موید این است که هر چه کشورها پیشرفته تر و صاحب فناوری های به روزتر شدند، در وضع قوانین رقابتی خود سعی بر این کردند که این قوانین به نحوی باشد که بتواند بیشترین منافع را برای آنها در بر داشته باشد. از این رو و با توجه به اینکه عمدتاً چنین کشورهایی صادر کننده فناوری نو هستند و منافعشان اقتضا می کند که در قراردادها محدودیت هایی را برطرف مقابل تحمیل کنند، در تعیین مصادیق شروط ضد رقابتی با دید منعطف تری نسبت به کشورهای در حال توسعه به قضیه نگاه می کنند. با توجه به این اختلاف دیدگاه، در تمامی نظام های حقوقی این امر پذیرفته شده که شروطی که باعث محدود کردن رقابت، سلب آزادی پذیرنده و انحصارگرایی در بازار می شوند، ذاتاً ضد رقابتی هستند. همانطور که در بررسی ها مشخص شد در آمریکا به جز شروطی که در زمره محدودیت های محض قرار دارند مابقی آنها تحت قاعده معقولیت بررسی می شوند، در ارزیابی طبق این

¹ -Anderman, Steve. op.cit,p.209-210.



قاعده کارایی اقتصادی و رفاه مصرف کننده نقشی اساسی دارد. در اتحادیه اروپا نیز علاوه بر محدودیت‌های ذاتی موارد معافیت نیز پیش بینی شده است و این در حالی است که قانونگذار ما در مواد ۴۴ و ۴۵ در حکمی کلی شروط ضد رقابتی را بدون تفکیک قائل شدن بین آنها ممنوع اعلام کرده است و ضمانت اجرای این ممنوعیت را نیز مشخص نکرده است.

با توجه به مراتب فوق پیشنهادات زیر ارائه می گردد:

۱- قانونگذار باید خلاء قانونی در خصوص قراردادهای انتقال فناوری که قرارداد لیسانس از مهمترین آنها است را پر کند و با تصویب قانون و شناسایی این قراردادها به عنوان عقود معین شرایط، آثار و احکام آنها را مشخص سازد.

۲- برای ممنوعیت مصادیق بر شمرده شده در ماده ۴۴ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ باید اعمال مذکور باعث ایجاد اختلال در رقابت گردند در حالی که موارد ماده ۴۵ بطور مفروض ضد رقابتی تلقی شده اند دیدگاه اخیر با توجه به نیازهای کشور ما که بیشتر وارد کننده فناوری است تا صادر کننده آن مناسب تر است و بهتر است ماده ۴۴ نیز منطبق با ماده ۴۵ شود.

۳- در مواد ۴۴ و ۴۵ خلط مبحث شده بعضی از رویه ها در هر دو ماده آمده که باید اصلاح شود.

۴- پیش بینی یک سری معافیت ها مانند پیش بینی یک منطقه امن در اصلاحات قانون



منابع و مأخذ

الف: کتاب ها

۱. احسنی فروز، محمد. قرارداد انتقال تکنولوژی، چ ۱، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۹۰.
۲. جعفری لنگرودی. محمد جعفر. حقوق اموال، چ ۵، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۸۶.
۳. حیاتی، علی عباس. حقوق مدنی ۲ اموال و مالکیت، چ ۳، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۹.
۴. خمینی، سید روح الله. تحریر الوسیله، ج ۱، چ ۲، دارالکتب العلمیه، قم، ۱۳۹۰.
۵. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا، ج ۲، چ ۱۳، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۵.
۶. سماواتی، حشمت الله. مقدمه ای بر حقوق رقابت تجاری و نقش آن در سیاست گذاری و تنظیم بازار، چ ۱، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۷۴.
۷. شهید اول. لمعه دمشقیه، ج ۱، چ ۳۶، انتشارات دارالفکر، قم، ۱۳۸۷.
۸. صابری، روح الله. قراردادهای لیسانس، چ ۱، انتشارات شهر دانش، تهران، ۱۳۸۷.
۹. کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق، چ ۵۲، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۵.
۱۰. مکارم شیرازی، آیت الله ناصر. تفسیر نمونه، ج ۳، چ ۲۸، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۹.
۱۱. میرحسینی، سید حسن. مقدمه ای بر حقوق مالکیت معنوی، چ ۱، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۶.
۱۲. معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی. لایحه ی قانون رقابت، مبانی نظری و تجربه چند کشور، چ ۱، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران، ۱۳۸۴.

ب: مقاله ها

۱۳. انصاری، مهدی. قرارداد بین المللی لیسانس تکنولوژی، مجله حوزه و دانشگاه. شماره ۴۴. پاییز ۱۳۸۴.



۱۴. حبیبیا، سعید، میرشمسی، محمد هادی. جایگاه قواعد حقوق رقابت در قراردادهای انتقال و اجازه بهره برداری از حقوق مالکیت صنعتی، مجله حقوق خصوصی، شماره ۱۴. تابستان ۱۳۸۸.
۱۵. زاهدی، مهدی. اعمال و رویه های محدود کننده تجاری، مجله پژوهش حقوق و سیاست.
۱۶. صادقی، محسن. شمشیری، صادق. نقد قانون سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ایران از منظر رابطه مالکیت فکری و حقوق رقابت، فصلنامه پژوهش حقوق، شماره ۳۳. تابستان ۱۳۹۰.
۱۷. عامری، فیصل. حقوق رقابت و توسعه. فصل نامه حقوق، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۸۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

